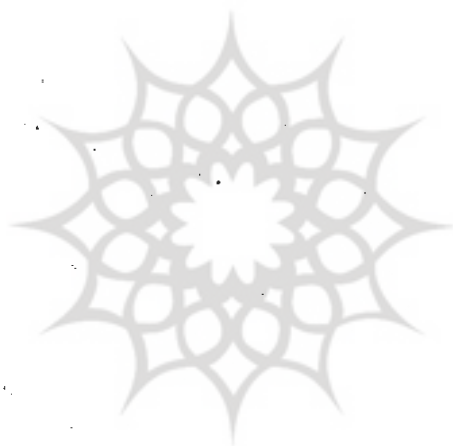


متن خطابه ایست که جناب آقای حسین سمیعی

(ادیب السلطنه) رئیس فرهنگستان ایران و

رئیس انجمن ادبی فرهنگستان دریکی از جلسات

انجمن ایراد فرموده اند



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## هو الله تعالی

گاهی در برخی از نگارشهای رسمی و عادی دیده میشود که بعضی لغات بغلط استعمال شده یا در معانی و موارد استعمال آنها اشتباهاتی روی داده است، حتی در استعمال پاره‌ای از لغت‌هایی که بتصویب فرهنگستان ایران رسیده از معنای حقیقی آنها انحراف‌هایی پیدا شده و معانی لغات و کلمات صورت دیگری بخود گرفته است. از این قبیل است اشتباهاتی که گاهی در املاهای بعضی کلمات یا در استعمال آنها بجای یکدیگر پیش می‌آید.

این اشتباهات ممکن است برای بارهای اول در طی خواندن و نوشتن چندان مهم بنظر نیاید، اما همینکه مکرر شد و نظایر زیاد پیدا کرد شاید اشخاصی که چندان با ادبیات و نگارشهای ادبی آشنا نیستند و از لغات و طرز استعمال آنها چندان اطلاع ندارند همان غلط‌ها را صحیح پنداشته و مأخذ قرار بدهند، علی‌الخصوص که گاهی نیز این غلطها در پاره‌ای از روزنامه‌ها که نوشته‌های اشخاص مختلف را در صفحات خود درج و نقل میکنند - و البته هیچ الزام و مسؤولیتی هم در سنجیدن و تشخیص دادن صحت و سقم عبارات و کلمات آن نوشته‌ها ندارند - منعکس میگردد، و چون روزنامه را همه میخوانند این اشتباهات بیشتر صورت تحقق گرفته و در اذهان عمومی نقش می‌بندد و در محاورات و مکاتبات عمومی تکرار میشود.

بنابر این من برای توجه دادن بعضی نویسندگان و نامه‌نگاران پاره‌ای توضیحات را نسبت ببرخی از این کلمات و اشتباهاتی که در آنها رخ داده است لازم شمرده و این چند کلمه را که در زیر بنظر شریف خوانندگان گرامی میرسد بر سبیل تذکره یادداشت کردم و البته اگر باز در این زمینه چیزهایی بنظرم رسید با وسایل دیگر باستحضار عمومی خواهم رسانید.

این تذکرات و توضیحات البته مربوط بلغات و اصطلاحات و استعمالات فارسی بوده ولی اگر در ضمن نسبت ببعضی از کلمات عربی هم توضیحی داده شده است بدان سبب بوده که آن کلمات امروز از جنبه عربی خود خارج شده و جزو لغات و اصطلاحات فارسی قرار گرفته است.

## آئین

بمعنی مذهب - رسم - عادت - روش - آرایش است .

مثال :

آئین اسلام مایه رستگاری دنیا و آخرت است . آئین من این است . همیشه بدین آئین بوده ام . آئین من در زندگانی چنین بوده است . شهر را آئین بسته اند .

شاهد :

اسلام بدین سہلی و آسانی نیست یا حرف کہ برگوئی و برخوانی نیست آری بزبان آنچه نداری در دل وین در خور آئین مسلمانی نیست

آئین تقوی ما نیز دانیم لیکن چه چاره با بخت گمراه

نه هر کہ طرف کله کج نهاد و تند نشست کلاهداری و آئین سروری داند

کشاد ابروی طاق فتح را دین ظفر بر طاق گردون بست آئین

این کلمه در فرهنگستان برای مراسم و تشریفات اختیار شده است .

مثال : آئین تاجگذاری . آئین گشایش مجلس شورای ملی .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
آئین نامه

در فرهنگستان بجای نظامنامه آئین نامه پذیرفته شده است . مثال :

آئین نامه باشکاه هواپیمائی کشوری - آئین نامه بنکاه حمایت مادران و بینویان -

## آتش نشان - آتش نشانی

بجای مأمور و اداره اطفائیه تصویب شده است . مثال :

اداره آتش نشانی دیروز خوب از عهده فرو نشاندن حریق ... بر آمد و آتش

نشانان جدیدت و چالاکی هر چه بیشتر بکار بردند . شاهد :

چنان در جانم آتش زدغم عشق که نشیند بهیچ آتش نشانی

## آزمایش - آزمون

این دو کلمه از یک ریشه در آمده و غالباً معنی امتحان میدهند و بر حسب تصویب فرهنگستان آزمایش بیشتر در امتحانات فنی استعمال میشود و گاه نیز افاده معنی تجربه کند. مثال :

آزمایشهای پاستور خدمتی بزرگ سلامت نوع بشر کرده است .  
 آزمایشهای عمر من مرا بیرهیز از مذذبان و دروغگویان وا میدارد .  
 منوچهر از عهده آزمونهای سالیانه اش خوب بر آمده است .

شاهد بهر دو معنی :

آزمودم مرگ من در زندگی است چون رهم زین زندگی پایندگی است  
 ما آزموده ایم در این شهر بخت خویش باید برون کشید از این ورطه رخت خویش

## آگهی - آگاهی

این دو کلمه سابقاً بمعنی اطلاع یافتن استعمال میشد، ولی در فرهنگستان آگهی بجای «اعلان» و آگاهی برای اداره ای که در شهر بانی بنام تأمینات یا پلیس مخفی بود تصویب شد و اداره آگاهی جایگزین اداره تأمینات گردید و بنا بر این پلیسهای مخفی را کارآگاهان یا مأمورین اداره آگاهی گویند .  
 در کلمه آگهی بمعنی «اعلان» این نکته را باید در نظر گرفت که ترکیب آن در موقع استعمال با فعل دادن باشد نه کردن مثلاً «آگهی داد» باید گفت نه «آگهی کرد» .

## استان

این کلمه بضم الف است چون بستان، و برای هر یک از بخشهای ده گانه کشور ایران بجای ایالت اختیار شده است. استعمال آن بکسر الف (استان) یا بحد الف (آستان) غلط است .

## اندیشه

این کلمه افاده دو معنی کند

اول بمعنی فکر است و در این معنی بیشتر استعمال شده است.

مثال: در اینکار اندیشه فراوان کردم.

شاهد:

اول اندیشه وانگهی گفتار پای بست آمده است پس دیوار

سخندان پرورده پیر کهن بیندیشد آنکه بگوید سخن

اندیشه کردن که چه گویم به از پشیمانی خوردن که چرا گفتم.

دویم بمعنی ترس و بیم.

مثال: من از تو هیچ اندیشه ندارم یعنی نمیترسم.

## بازنشسته

فرهنگستان این کلمه را بمعنی «متقاعد» تصویب کرده است و با اصطلاح اداری و قانونی باشخاصی اطلاق میشود که سن آنها بحدتقاعد قانونی رسیده و میتوانند معافیت خود را از خدمت دولت درخواست کنند و یا دولت خود آنها را از خدمت معاف کند.

این متقاعد را نباید بامتقاعد که بجای قانع و راضی استعمال میشود اشتباه کرد و مثلاً گفت با فلان در فلان موضوع مذاکره کردم و او را بازنشسته نمودم یعنی متقاعد و قانع ساختم.

البته چنین استعمالی خیلی شاذ و نادر است ولی چون من خود وقتی در دوسه نامه بچنین استعمال غلط برخورددم این تذکر را در اینجا بدان سبب دادم.

## بایگان

بروزن شایگان و رایگان کسی است که نامه ها و نوشته های اداری را در دفتری نگاهداری میکند تا در هنگام نیازمندی بتوان از آن استفاده کرد. عمل بایگان را بایگانی گویند که بیشتر «ضبط» میگفتند و اگر کسی چنانکه گاه

دیده است آنرا بمعنی اصلی ضبط گرفته و مثلاً بگوید «مال فلان را بایگانی کردند» بکلی غلط است.

### بزه

بروزن بزه بمعنی جرم و گناه است و های آخر آن تلفظ نمیشود مانند «های» سره، رژه، واژه، تازه، غازه، زنده، مرده و امثال آن.

و مجرم را بزه کار گویند و چون خواهند که نویسند «بزه کار» بروزن مزه دار با جدائی‌ها از کاف باید نوشت نه با پیوستگی کاف بها باینصورت: «بزه کار» چه در اینصورت‌ها باقتضای رسم الخط های ملفوظ خوانده خواهد شد.

### بهداشت - بهداشتی

این دو کلمه را نباید بیکدیگر اشتباه کرد چه بهداشت بمعنی وسائل نگاهداری سلامت مردم است و بهداشتی اداره ای که کارهای راجع سلامت مردم در آنجا انجام می یابد و اداره میشود. مثال:

وزارت بهداشتی نسبت به بهداشت همگانی اقدامات سودمند و تدابیر مؤثری بکار میبرد.

### پیشینه - کمینه

بیشتر برای بیشترین مقدار ممکن حداکثر و برای کمترین مقدار ممکن حداقل میگفتند. فرهنگستان برای معنی اول پیشینه و برای معنی دوم کمینه تصویب کرده است.

مثال: پیشینه درآمد فلان شرکت بده میلیون ریال رسیده است. کمینه درآمد فلان شرکت پنج میلیون ریال است.

### پیشینه - دیرینه

پیشینه و دیرینه دو واژه است که در فرهنگستان اولی را برای سابقه کار یا سابقه علمی و اخلاقی، و دومی را برای سابقه خدمت مستخدمین تصویب کرده اند و این دورا نباید باعتبار سابقه بیکدیگر اشتباه کرد. مثلاً نمیتوان گفت پیشینه خدمت

فلان در فلان وزارتخانه، و هم نمیتوان گفت دیرینه فلان کار، یادیرینه عملی فلان مأمور، یادیرینه اخلاقی فلان مرد. بلکه باید گفت دیرینه خدمت فلان کارمند در فلان وزارتخانه بدین قرار است

مثال: فلان مأمور سی سال دیرینه خدمت دارد، پیشینه فلان کار چنین است، پیشینه عمل فلان خیلی رضایت بخش است، پیشینه اخلاقی فلان چندان خشنودی بخش نیست.

### پیوسته

در فرهنگستان بجای متصل تصویب شده است، و این گاه باشد که افاده اتصال زمانی کند چنانکه گوئیم « فریدون پیوسته در انجام وظایف خود کوشش دارد » و گاه اتصال و انضمام چیزی را بچیز دیگر نشان دهد چنانکه گوئیم: « فلان صورت حساب بفلان نامه پیوسته است ».

و اینکه بجای پیوسته بدین معنی پیوست تا در پیوست نویسند هیچ صحیح نیست و اگر خواهند که پیوست نویسند باید که « با » بر سر آن در آورند و به پیوست نویسند مانند « پنج برگ صورت حساب پیوست این نامه فرستاده شد ». (هر چند این نیز چندان فصیح نیست) و بهتر این است که بنویسند پنج برگ صورت حساب بدین نامه پیوسته است یا پیوسته بدین نامه فرستاده شد.

### درخواست

- ۱ - خواستن و تقاضا کردن چیزی است. مثال: سلامت و سعادت شمارا از خداوند درخواست میکنم.
- ۲ - نوشته‌ای که در آن چیزی برسبیل تقاضا پیشنهاد میشود. مثال: درخواست حقوق شمارا از اداره حسابداری صادر کرده‌اند.

### دغل

بمعنی نادرست و دسیسه کار است.

مثال: فلان مردی دغل است.

شاهد: این دغل دوستان که می‌بینی مکساتند دور شیرینی

- این کلمه را فرهنگستان بدو معنی تصویب کرده است .
- ۱ - تغییر دادن متاعی برای گول زدن و اغفال خریداران .
- ۲ - کسی که متاعی را برای اغفال خریداران تغییر میدهد و این در حقیقت همان معنی اصلی دغل باشد که ذکر شد .

### زایچه

برای ورقه ولادت که هنگام زادن کودک نوشته میشود و اداره آمار از روی آن ورقه شناسنامه را تهیه میکند تصویب شده است ، بنابراین نمیتوان زایچه را بجای متولد بکار برد چنانکه بعضی آنرا بهمین معنی استعمال کرده و بزایچگان جمع بسته و از آن معنی متولدان خواسته اند .